



# حضور قدرتمند واحد‌های گارد آزادی در شهر سنندج!

آزادی حرف میزدند و از آنها به خاطر همکاریشان تشکر میکردند. جوانان با اطلاع از حضور گارد آزادی از خانه هایشان بیرون میامدند و با اشتیاق دور آنها را حلقه میزدند.

استقبال مردم از واحد گارد آزادی بی نظیر بود. این حضور مسلحانه و قدرتمند حدود یک ساعت به طول انجامید و واحد سپیدار گارد آزادی در میان استقبال مردم و همکاری جوانان به حضور علنی و مسلح خود پایان دادند.

کمیته کردستان حزب حکمتیست، فرماندهی گارد آزادی و کمیته سنندج حزب، حضور قدرتمند واحد سپیدار گارد آزادی را به اعضای واحد و به مردم شهر سنندج تبریک میگوید و از همکاری مردم با دوستان و فرزندان مسلح خود در گارد آزادی قدردانی و سپاسگزاری میکند.

کمیته سنندج حزب حکمتیست  
۲۹ تیر ماه ۱۳۸۵ (۲۰ ژوئیه ۲۰۰۶)

جمعه ها منتشر میشود

۱۰۳

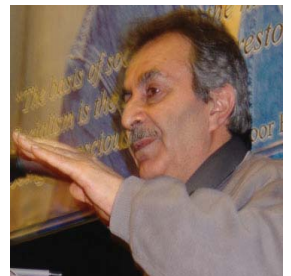


مطب حکمتیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر این شماره: لریج فرزاد ۱۵۰ تیر ۸۵ ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۶

[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

## چرا این جنگ؟



فاتح شیخ

[fateh\\_sh@yahoo.com](mailto:fateh_sh@yahoo.com)

زندگی و حقوق مردم لبنان را بعنوان حق "دفاع از خود" تایید میکنند. آیا با این اوضاع، بشریت حق ندارد بعنوان "دفاع از خود" به روی این "جامعه بین المللی" تف بیندازد؟

## چرا این جنگ؟ چرا حالا؟

میدای رسمی جهان به تبعیت از اربابان "جامعه بین المللی" شان، دارند به مردم میخورانند که دولت اسرائیل در این جنگ بی تقصیر است، چون حزب الله به آن حمله کرده است! حمله حزب الله و بهره برداری حزب الله و جمهوری اسلامی از آن حمله و پیامدهایش یک واقعیت، یا دقیقتر، یک

جنگ اسرائیل علیه لبنان پس از ده روز هنوز ادامه دارد و صدها کشته و صدها هزار آواره بجا گذاشته است. بهانه دولت اسرائیل، تلافی حمله نیروهای حزب الله لبنان است که از جمله دو سرباز اسرائیلی را اسیر کردند. نه فقط مردم لبنان که قربانی مستقیم این جنگ و فجایع حاصل از آنند، بلکه هر جا مردمی دستشان به میدیا میرسد خشم و نگرانشان را از "واکنش خارج از تناسب" اسرائیل ابراز میکنند. در عوض "جامعه بین المللی" بیشرمانه به دولت اسرائیل حق میدهد. از آمریکا که حامی همیشگی فاشیسم دولتی اسرائیل است، تا "گروه ۸"، تا سازمان ملل و کوفی انان، تا اتحادیه اروپا و خاور سوولانا، همگی تجاوز شنیع اسرائیل به



باز هم شرکت  
واحدی ها!  
مصطفی اسدپور

کمپین زنجیره ای گنجی  
در بارگاه آمریکا!

مهرنوش موسوی

اطلاعیه  
های حزب  
حکمتیست

در صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری

## کمپین زنجیره ای گنجی در بارگاه آمریکا!



مهرنوش موسوی  
در کمپ دوستداران خود  
گنجی عجلتا دعواست.  
اشتباه نکنید اختلافشان

این نیست که یکی او را بایی ساندز و آن دیگری ماندلا و این یکی لخ والسا میخواند. اختلافشان بر سر دوری و نزدیکی و زمان و مکان هر سه اینها در قالب گنجی در ارتباط با آمریکاست. اینها اگر به لخ والسا استناد میکنند منظورشان بیشتر از هر چیز ارتباط وی با آمریکا و شکل دادن اپوزیسیون پرو غربی در کشور مربوطه برای به شکست کشیدن مبارزه طبقه کارگر و عروج سرمایه

### این جنگ باید فوراً متوقف شود!

برای خروج از این دایره باطل، مردم آزادیخواه راهی ندارند جز اینکه آلترناتیو متکی به منافع مستقل خود را پیش پا بگذارند و برای آن نیرو گرد آورند و سازمان دهند. علاوه بر خواست توقف فوری جنگ اسرائیل علیه لبنان، تاکید بر راه حل‌های پایدارتر برای مسائل منطقه حیاتی است: خروج اسرائیل از مناطق اشغالی و تشکیل دولت فلسطین، خروج آمریکا از عراق و تشکیل یک دولت غیرقومی و غیرمذهبی در آن کشور، سرنگونی جمهوری اسلامی به نیروی مردم و بالاخره حمایت از سکولاریسم و جدائی دولت از مذهب و قومیت در سراسر منطقه، از جمله در اسرائیل، تنها راه واقعی برای خروج خاورمیانه از بحران‌های قدیم و جدید و پایان دادن به تخاصمات و بی‌انداختن صلحی ماندگار در منطقه و در رابطه مردم این منطقه با بقیه جهان است.

گردد را به ورق پاره ای بدل کرد که دیگر کسی از آن نام نمیبرد. اما این استراتژی میلیتاریستی در دنیای امروز برد ندارد چون در برابر خود نیروهای اسلامی و ناسیونالیستی ای را به میدان میآورد و تقویت میکند که از مصائب ناشی از این میلیتاریسم برای گسترش نفوذ ارتجاعی شان در میان مردم مصیبت زده بهره برداری میکنند. این استراتژی تنها به گردونه جنگ بیوقفه و سناریو سیاه میدان میدهد. نمونه اوضاع خونین عراق یکی از پیامدهای این استراتژی است که سه سال است روزانه جلو چشم جهان جریان دارد. جنگ اسرائیل علیه لبنان میتواند عراق دیگری بیافریند، حمله نظامی به ایران، خواه توسط اسرائیل و خواه آمریکا و یا هر دو، عواقب به مراتب سنگین تری برای مردم منطقه و جهان در پی خواهد داشت. ما حکمتیست‌ها از تکرار این حقایق باز نخواهیم ایستاد. مردم منطقه و جهان بیش از هر زمان به خودآگاهی و هشیاری از آنچه آمریکا و متحدانش از جمله اسرائیل دارند به سرشان می‌آورند نیازمندند.

مقام جمهوری اسلامی با اشاره به حمله اسرائیل به لبنان دولت ترکیه را به دخالت نظامی در کردستان عراق تشویق کرده است نشاندهنده گوشه ای از بهره برداری جمهوری اسلامی از اوضاع درهم‌ریخته جاری است. در سایه اوضاع فاجعه باری که جنگ آمریکا علیه عراق ایجاد کرده است، جمهوری اسلامی امروز از توان بحران آفرینی به مراتب گسترده تری نسبت به گذشته برخوردار است. انگشت جمهوری اسلامی در بغداد، در بصره، در کربلا و نجف، در درون دولت کنونی عراق، در تحرکات جهاد و حماس و حزب الله در فلسطین و لبنان به یک واقعیت روزمره بدل شده است. آمریکا و متحدانش خواه در خط مشی جنگ و حمله نظامی علیه جمهوری اسلامی، خواه در روند دیپلماسی مرتبط با این خط مشی، با چنین موقعیتی روبرو هستند.

قدرتی نظامی وجه مشترک استراتژی آمریکا و اسرائیل استراتژی آمریکا و اسرائیل در دوره اخیر که با روی کار آمدن بوش و نئوکنسرواتیوها در آمریکا و روی کار آمدن شارون در اسرائیل مشخص میشود یکجانبه بر قدرتی نظامی متکی است. این استراتژی نه تنها هر راه حل سیاسی در ارتباط با مسائل حساس خاورمیانه، از جمله مساله فلسطین، را کنار میزند بلکه مسائل و بحرانهای حساس دیگری به اوضاع تاریخا بحرانی خاورمیانه اضافه میکند. این استراتژی قرارداد اسلو برای تشکیل دولت فلسطین در سال ۱۹۹۹ را در آتش انداخت و "نقشه راه" که مطابق آن بالاخره دولت فلسطین میبایست در سال ۲۰۰۵ متحقق

بویژه با از دست دادن شارون، ژنرال همیشه دست به ماشه استراتژی جنگی اسرائیل، دولت اسرائیل نیاز مبرم به استفاده از قدرتی نظامی برای بازگرداندن بالانس منطقه بسود خود پیدا کرد. دولت اهوت المر، وارث سیاسی-ایدئولوژیک شارون، به این منظور حمله حزب الله را از هوا قاپید و به بهانه مقابله با آن، سریرا جنگ تمام عیاری را علیه لبنان سازمان داد. با این جنگ دولت اسرائیل همزمان دو هدف را تعقیب میکند: اول تغییر تناسب قوا در لبنان بسود خود از راه فشار آوردن به دولت لبنان برای خلع سلاح حزب الله با اتکاء به قطعنامه ۱۵۵۹ شورای امنیت و دوم فشار آوردن به آمریکا و اروپا برای در پیش گرفتن روش سخت تری در قبال جمهوری اسلامی و بحران جاری.

اما واقعیت به میل و آرزوی اسرائیل و منطبق با نشان دادن قدرتی نظامی اش پیش نخواهد رفت. همچنانکه جنگ آمریکا علیه عراق به جان گرفتن مجدد اسلام سیاسی در عراق و منطقه انجامید، قدرتی نظامی اسرائیل علیه لبنان هم به تقویت بازهم بیشتر موقعیت حزب الله در صحنه سیاست آن کشور منجر خواهد شد.

### بهره برداری جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی بیشک از این اوضاع برای دامن زدن به بحرانهای بیشتر در منطقه در جهت حفظ و تقویت موقعیت خود بهره برداری میکند. لجنزار جنگ و بحران و سناریو سیاه، مناسبترین محیط برای بقاء این رژیم و کل اسلام سیاسی در منطقه است. این فاکت که یک

بخش از واقعیت جنگ و بحران حاضر است. اما اینکه علت این جنگ است، این بهیچوجه واقعی نیست. این حمله برای اسرائیل تنها یک بهانه است. پیش از این هم حزب الله حملات مشابه علیه نظامیان و مردم عادی اسرائیل سازمان داده و چنین واکنش سنگینی بدنبال نداشته است. برای حزب الله و جمهوری اسلامی بسادگی قابل پیش بینی بود که چنین حمله ای در آستانه نشست "گروه ۸" با واکنش تند اسرائیل مواجه خواهد شد و دقیقا خواسته اند با دامن زدن به بحران دیگری در منطقه، توان بحران آفرینی خود را به "گروه ۸"، بویژه به آمریکا و اروپا، یادآور شوند. اسرائیل هم با آمادگی کامل و با داشتن برتری قاطع نیرو به استقبال دوید تا از این تقابل برای تغییر توازن قوا در منطقه به زور قدرتی نظامی اش استفاده کند؛ چیزی که در این مقطع به آن نیاز مبرم دارد.

نیاز اسرائیل به تغییر بالانس جنگ آمریکا علیه عراق و بدنبال آن جان گرفتن مجدد اسلام سیاسی در منطقه، در واقع طی سه سال توازن قوا در منطقه را آشکارا به زیان اسرائیل عوض کرده است. قدرتگیری حماس که مشت مستقیمی به صورت اسرائیل بود تنها یکی از چند مورد است. عروج جریانات اسلامی به راس دولت در عراق، گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در بخش بزرگی از این کشور و افزایش قدرت حزب الله در صحنه سیاست لبنان، به رغم خروج سوریه از آن، فاکتورهای منفی بسیار مهمتری برای اسرائیل در مقایسه با قدرتگیری حماس به حساب می‌آیند.

**به حکمتیست‌ها پیوندید!**

## باز هم شرکت واحدی ها!

این هفته باز هم هفته شرکت واحدی ها بود. روز ۲۴ تیر ماه تعداد زیادی از کارگران اخراجی این شرکت جلوی محل اداره امور اجتماعی شهر تهران تجمع اعتراضی بر پا داشتند. این اجتماع مورد حمله سرکوبگران امنیتی جمهوری اسلامی قرار گرفت. تعداد ۹ نفر از نمایندگان کارگران و شرکت کنندگان سه روز را در زندان سپری کردند تا دوباره به جمع خانواده و همکارانشان بازگشتند. اعتراض از طرف سندیکای رانندگان شرکت واحد سازمان یافته بود. خواست کارگران را بازگشت بکار حدود دویست نفر کارگر اخراجی این شرکت بعد از اعتصاب بزرگ ششماه

قبلتر تشکیل میداد. این کارگران بدون هیچ حقوق و دریافتی از کار اخراج شده اند. کماکان از بازگشت بکار آنها و پرداخت حقوق معوقه آنها سر باز زده میشود. دیگر حساب تعداد اجتماعات مشابه از طرف شرکت واحدی ها از دست همگان بدر رفته است. اعتراض، اجتماع، بازگشت بکار اخراجی ها، آزادی اسانلو، ضرب و شتم، دستگیری، تهدید و شکنجه، بازداشت و اوین، همگی ملاط خبرهایی بوده که با سماجت در رسانه های جمعی تکرار شده اند. اعتصاب شرکت واحد، اعتصابی است که سر تسلیم نداشتی است. تمامی دولت و دستگاههای رنکارتنگ آن، از خانه کارگرتا وزارت کار و مدیریت شرکت واحد و دستگاه سرکوب و زندان رژیم در هماهنگی کامل جنگ تمام عیاری را علیه این کارگران و اعتصاب و سندیکای آنها به پیش برده اند. این رژیم تا بحال دست کم ۱۸۰۰ برابر مخارج معادل دستمزد عقب افتاده ۱۸۰ کارگر اخراجی شرکت واحد را صرف زندان و زندانبان و قاضی و بازجو و پلیس و مامور

و جاسوس و توطئه و تبلیغات دشمنانه علیه کارگران کرده است. اما کماکان این کارگران دست بردار نیستند. و با هر اجتماع و خبر تازه تر دوباره سرها به آن سمت میچرخد. کارگران قهرمان؟ بدون هیچ تردیدی شجاعت، از خودگذشتگی و استقامت در میان این کارگران و نمایندگانشان ستودنی است. شرکت واحدی ها چاره ای ندارند بجز اینکه خواستههای خود را بیپیش ببرند. باید پیروز شوند. سر و ته مخارج زندگی را باید بهم آورد. سالهای سال از سابقه کار و بردگی را نمیتوان بدور انداخت. نمیتوان غرور و حق طلبی و همبستگی را بیبیکاره بکناری نهاد و بگور سپرد. هرچه هست، رمز اصلی اعتصاب و ادامه آن در تشکل و سندیکای شرکت واحد نهفته است. اعتصاب کارگران شرکت واحد در یک بیان فشرده جوهره نبرد طبقاتی کارگری را جلوی صحنه رانده است. قدرت و توان بسیج کارگری را به نمایش گذاشته است. بساط گدایی و مستضعف پناهی و ریاکاری و تسلیم را بطرز بارزی به

صورت مسببین فرودستی کارگر تف کرده است. این داستان یک اعتصاب هست. داستان کارگران و پیگیری سمج و قهرمانانه آنها هست. در عین حال داستان انبوهی از ابتکارات و پافشاری بر سر متشکل ماندن و دفاع از تشکل خود آنها نیز هست. این الگویی است که طبقه کارگر در مصاف بسیار گسترده خود با رژیم اسلامی و سرمایه داران در ایران بشدت نیاز دارد. تسری این الگو میتواند سرنوشت متفاوتی را برای بیشمار اعتصابات کارگری در ایران به همراه داشته باشد. اعتصاباتی که در همان ساعات و قدمهای اول خود عقیم و ناتوان مینمانند. اعتصاب شرکت واحد به سنگری مهم در نبرد طبقاتی کل کارگران ایران تبدیل شده است. شکست و پیروزی آن معنایی بر مراتب فراتر از خود کارگران شرکت واحد را به همراه خواهد داشت. افسوس که این اعتصاب کماکان تنهاست. نباید فراموش کرد، که کارگران اعتصابی و سندیکای شرکت واحد با هر گام تازه

خود، موتور کشمکشهای مهمی را در جامعه کماکان گرم نگه میدارند. هر بار که این کارگران جمع میشوند دعوتنامه ای برای کل شهروندانی است که مایلند بر سر از جمله دستمزدهای معوقه، ممنوعیت اخراج، آزادی اعتصاب، آزادی زندانیان سیاسی، آزادی تشکل و امثال آن سنگ روی سنگ بچینند. به یمن سرسختی شرکت واحدی ها پیدا کردن این "فرصتها" و نبردها ایدا دشوار نیست. در تهران دست کم دشوار نیست. کافی است جلوی مجلس، جلوی وزارت کار، جلوی زندان اوین، جلوی اداره شرکت واحد شرق تهران و یا مثلا جلوی سندیکای شرکت واحد سری بزیند. قول میدهم که حتما رد پای از اجتماع برای حق طلبی رادیکال و کارگری را پیدا خواهید کرد. به آنها ملحق شوید. خواست کارگران شرکت واحد و پیروزی آنها را تقویت کنید.

مصطفی اسدیپور

۲۹ تیرماه ۱۳۸۵

## زنجیره ای گنجی

داری بازار بر متن پایان جنگ سرد است. دارند برای برقراری ارتباط با آمریکا سر و دست میشکنند. نقطه وحدت امروز اپوزیسیون همیشه پرور رژیم که تا دیروز نقطه جوش مشترکشان نگه داشتن حکومت بود، تقلا برای آلترناتیو شدن در نزد آمریکا و نسخه های واشنگتن پسند رژیم چنج است. این اپوزیسیون تا دیروز موکل حکومت بود، امروز دارد هم برای خسونت گران حاکم حکم عقو میگیرد و هم برای وکالت حکومت بعدی در مقابل مردم خودش را گرم میکند. دارند سناریوی سیاسی تقلاهای امروزشان را جوری میچینند که به تاریخ حرکت سیاسی دیروزشان وصلش کنند. اینها فقط در مظان این اتهام نیستند که در گذشته در نسل کشیهای رژیم اسلامی شریک بوده و یا حزب سیاسی درست کردند که جنایت را عادی جلوه بدهند، بلکه همین امروز شرط لخ والسا شدنشان نشان دادن ظرفیتهای قابلیت سرکوب و گسترش اختناق در کشوری است که اختناق در آن یک گزینہ بد خلقی حاکمان نیست، بلکه قبل از

هر چیز یک جبر اقتصادی برای حفظ کار ارزان و کارگر خاموش است. اگر امروزه روز کسی بخواهد دل آمریکا را برای آلترناتیو شدن به دست بیاورد باید ثابت کند که در سبد پیشکشی اش اقلامی را بگذارد که متضمن عقب راندن مردم از سرنگون کردن نظام و درهم شکستن کل ماشین جنایت اسلامی از یکسو و برپایی یک قطب ضد کمونیستی و ضد کارگری دیگر با ظرفیتهای اسلام سیاسی منهای سرکشی اش در منطقه باشد. از همین رو شخصا بر این باورم که در پروسه حرکت جنبشی که برای ادامه حرکت خود به گنجی محتاج است نقطه ذوب اصلی اینها ضدیت با کمونیسم، آزادیخواهی، حقوق کارگران و جنبش آزادی و برابری خواهد بود. اینکه اکثریت تصمیم گرفته است، کمونیستها را به خاطر افشای گنجی "اوباش" قلمداد کند و نوربزاده کف بر دهان به در و دیوار میکوبد و برای دفاع زنجیره ایی از گنجی به منصور حکمت و کمونیستها بند میکند، اتفاقی نیست. همین صف "حقوق بشری و احتراز از خسونت" اولین کسانی هستند که در صورت پیشروی مردم و دست بالا پیدا کردن آلترناتیو انقلابی و کمونیست جانب همان

خسوتنی را علنا و آشکارا خواهند گرفت که امروز در زورق پیچیده و عمری در کاربرد و دفاع از آن استاندند. مشکل امثال گنجی و جنبشی که حول خود به صف کرده نه زندانی سیاسی است و نه حتی همان حقوق بشر نیم بند. مشکل گنجی همان است که خودش میکوبد، بدون جنبش اجتماعی پشت سرش ادای لخ والسا و ماندلا را در آوردن، نوشابه جلو آیینہ باز کردن و مرسی گفتن به خود است. پس باید بسیج کرد، راه افتاد، سر و صدا کرد، جنبشی که گنجی بتواند روی آن سوار شود باید مختصات سیاسی خود را روز به روز در مقابل مردم بیشتر و بیشتر روشن کند. از همین روست که خود گنجی از مسکو که حرکت میکنند هر چقدر از لحاظ جغرافیایی به آمریکا نزدیکتر میشود "کشفیات" فلسفی که در آن زین العابدین و علی، یاران کانت و هابرماس میشوند جای خود را به طرحهای مشخص سیاسی در ارتباط با حکومت ایران به واسطه گری آمریکا میدهد. سناریوی گنجی این است که حکومت ایران را طوری با جایجایی مهره هایی چنج کنند که آب از آب ماشین دولتی تکان نخورد، شکافی باز نشود که به خاطر افتادن

قدرت سیاسی وسط خیابان، کمونیستها و چپ هم مدعی شده مردم را پشت سرش بسیج کند. عقو کردن و بخشش جنایتکاران از سویی و تلاش برای کوبیدن کمونیستها و ایزوله کردن آنها تضمین چنین جایجایی است. اما نه گنجی ماندلاست و نه ایران آفریقای جنوبی و نه اسلام سیاسی حکومت آپارتاید و نه بویژه کمونیسم و چپ جامعه ایران دست به دهان و منتظر ظهور امام گنجی و رویت عکس اقا در ما! لذا گنجی و طرفداران زنجیره ای اش حالا حالاها باید گرسنگی بکشند و تقلا کنند تا به آمریکا ثابت کنند که چگونه میتوانند رژیم ایران را چنج کنند بدون اینکه مردم وارد صحنه شوند و چپ جامعه ایران عروج کند. کار سختی است. از عهده توده ایها و اکثریتها و دود و خردادهای شکست خورده و مظلوم نشان دادن امت حقوق بشری آنها بر نمی آید، بگذریم که در خود جنبش راست هم بر سر گرفتن امتیاز رابطه با آمریکا دعواست، در خود جنبش اینها هم تاجگذاری گنجی کار ساده ایی نیست. سازگارا و پروژه رفراندوم از یاد سلطنت طلبان نرفته است. طاق زدن تاج با رفراندوم فقط باعث آبرو

ریزی برای "شاهزاده" شد. پروژه گنجی هم مانند نوبل، رفراندوم و سایر تقلاهای صف دشمنان مردم میتواند نقش بر آب شود. به شرطی که کمونیستها و انقلابیون با هشیاری کامل آن را پس بزنند و نه فقط این، بلکه سنگرهای مبارزه خود در داخل، خارج و کردستان را با تقلا و تلاش خود تصرف کنند و هژمونی سیاسی را از آن خود کنند. عروج و اقتدار رهبری سیاسی بر جنبش مبارزه مردم برای انداختن نظام قول و قرار سازمانی نیست. رهبری در این جنبش محصول تفوق سیاستی است که رهبری تابعی از این تفوق است. هر چقدر سیاست چپ برای انداختن نظام دست بالا پیدا کند، تلقی مردم از نیروی خودشان به خاطر امید به افق چپ عوض بشود، رهبران و انقلابیون کمونیست به نقطه اتکا و اعتماد مردم بدل میشوند. ما میتوانیم، قابلیت این را داریم، سیاست و افق و حزب و ماتریال انسانی آن را داریم، حرف دل مردم را ۲۵ سال زده و میزیم و باید به سمتی برویم که جنبش را به نحوی جلو ببریم که سر راه خود امثال پروژه های گنجی را حاشیه ای کند.

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

مرگ بر جمهوری اسلامی



## نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست برگزار شد

در روزهای ۲۴ و ۲۵ تیرماه ۱۳۸۵ (۱۵ و ۱۶ ژوئیه ۲۰۰۶)، نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای آن و همچنین جمالی کمانگر عضو کمیته مرکزی و دبیر سازمان جوانان حکمتیست برگزار شد. پس از گزارش کار دوره سه ماهه کمیته رهبری که توسط کورش مدرسی لیدر حزب ارائه شد، نشست این موارد را در دستور گذاشت:

- بررسی کار حزب در دوره گذشته

- مکانیسم کار دفتر سیاسی و رابطه آن با کمیته رهبری

- کنگره اول حزب، تدارک سیاسی

- گارد آزادی

- اوضاع سیاسی ایران و منطقه

- جبهه های اصلی پیشروی حزب در دوره آتی

- انتخابات

در بخشهای اول و دوم، نشست به بررسی فعالیت‌های حزب در دوره گذشته و کار کمیته رهبری پرداخت و این دوره از فعالیت حزب و رهبری را دوره ای مثبت و پیشرو و از نظر سیاست‌های اتخاذ شده در قبال بحران هسته ای و عروج قومپرستی دوره ای متمایز و برجسته ارزیابی کرد.

همچنین در مورد موانع و مشکلات راه پیشروی حزب بویژه در شکل‌های کار رهبری در آرایش جدید بعد از پلنوم چهارم، بحث و تبادل نظر شد. در خصوص مکانیسم کار دفتر سیاسی

و تنظیم رابطه آن با کمیته رهبری، نشست قرارهایی به تصویب رساند. در ادامه مسائل و مکانیسم‌های فعالیت و سازماندهی گارد آزادی در کردستان و سایر مناطق کشور بحث و بررسی شد. در بند مربوط به کنگره اول حزب، پس از شنیدن گزارش پیشرفت کار تدارک اجرایی کنگره و از جمله پروسه انتخابات نمایندگان، نشست تصمیم گرفت کمیسیون‌هایی در سطح دفتر سیاسی برای تهیه اسنادی که به کنگره ارائه خواهد شد تشکیل شود و ترتیب اجرای آن را به رئیس دفتر سیاسی واگذار کرد. نشست دفتر سیاسی همچنین پس از تبادل نظر مبسوط راجع به اوضاع سیاسی، بر مساله جبهه های اصلی پیشروی حزب در دوره آتی متمرکز شد. نتایج این بحث در مصوبات و مباحث رهبری بازتاب و انتشار خواهد یافت. در بند مربوط به انتخابات، نشست به اتفاق آراء ترتیب کمیته رهبری منتخب جلسه قبلی خود را ابقاء کرد. طبق قرار مصوب در این نشست، کمیته رهبری، در هر نشست دفتر سیاسی، از نو انتخاب خواهد شد.

رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

فاتح شیخ

۲۹ تیرماه ۱۳۸۵  
۲۰ ژوئیه ۲۰۰۶

ارتش اسرائیل گشته اند. هنوز هیچ نشانه ای از فرو نشستن اشتها و مقاصد این ارتش در تعرض و بمباران‌های بیشتر، آنهم آشکارا علیه مردم عادی، در دست نیست. سراسر جهان با نگرانی چشم دوخته اند تا ببینند دولت اسرائیل تا بجا بر دامنه و عمق این بحران خواهد افزود. در طرف دیگر بحران، موشکها و خمپاره های حزب الله لبنان، مناطق مسکونی اسرائیل را هدف قرار داده و تاکنون دهها کشته و زخمی بجای گذاشته است و مورد تنفر هر انسان آزاده ای قرار میگیرد.

سوابق جنایتکاری و تروریسم حاکمان اسرائیل بر کسی پوشیده نیست. برتری مطلق نظامی و اشتهاهای تجاوز و اشغالگری و حتی ماجراجویی این دولت نیز شناخته شده است. اما با اینهمه یک عامل مهم توجهات و زمینه های تجاوزهای چندروز اخیر اسرائیل

## جنگ و کشتار دولت اسرائیل در فلسطین و لبنان محکوم است

اسارت دو سرباز اسرائیلی توسط حزب الله موجب شده که دولت اسرائیل به فوریت یک جنگ تمام عیار و در قدم بعد یک بحران پر دامنه را مجددا بر منطقه خاورمیانه تحمیل کند. جنگ افروزی و جنایتکاری دولت اسرائیل به یک لکه ننگ بر دامن بشریت امروز تبدیل شده است. ابتدا ساکنین نوار غزه و سپس شهرهای متعدد از لبنان زیر آتش بمبها و تانکها طعمه بی‌دفاع در مقابل جنون

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست کنگره اول حزب در ۲۱ و ۲۲ ماه اکتبر برگزار میشود

کنگره اول حزب کمونیست کارگری - حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ ماه اکتبر ۲۰۰۶ بطور علنی در کشور آلمان برگزار میشود. تعداد ۱۵۰ نماینده از تشکیلاتهای مختلف حزب در کنگره شرکت خواهند کرد.

حزب از احزاب و سازمانهای سیاسی و رسانه های خبری برای حضور در این کنگره رسماً دعوت خواهد کرد.

شرکت در این کنگره برای عموم آزاد است و همه علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره حضور یابند.

برگزاری اولین کنگره حزب حکمتیست، فرصت مناسبی است برای آشنایی از نزدیک با حزب حکمتیست، ارگانها، رهبری و کادرهای آن در جریان عالیترین ارگان حزبی.

همه شرکت کنندگان در کنگره از ساعت ۱۴ روز جمعه بیستم اکتبر تا ساعت ۲۴ همان روز به محل کنگره منتقل میشوند. کسانی که برای حضور در کنگره با هواپیما مسافرات میکنند لطفاً به فرودگاههای زیربیاوند و از آنجا به محل کنگره منتقل میشوند.

۱- کلن - بن (COLOGNE- BONN)

۲- فرانکفورت - هان - (FRANKFURT(Hahn)

۳- دوسلدورف (Weeze) Dusseldorf

کسانی که با قطار و ماشین مسافرت میکنند با شماره تلفن های اعلام شده در این اطلاعیه تماس بگیرند تا از نحوه انتقال به محل کنگره اطلاع یابند.

به منظور تامین امکانات نقل و انتقال، اسکان و امور زیستی در روزهای برگزاری کنگره علاقمندان به شرکت در کنگره لازمست ثبت نام کنند. برای ثبت نام در کنگره به شماره تلفنهای زیر و آدرس ای مایل کنگره مراجعه کنید.

۶۷ ۳۵۵ ۶۵ ۷۳ ۰۰۴۶

اسد نودینیان

۵۴ ۷ ۸۵ ۷۴ ۰۰۴۶

خالد حاج محمدی

congere1\_hekmatist@yahoo.com

آدرس ای مایل

کمیته رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۹ ژوئیه ۲۰۰۶

علیه مردم فلسطین و لبنان در حمایت آمریکا و قدرتهای بزرگ جهانی عامل اصلی این وضعیت است. حزب حکمتیست به همراه بشریت متمدن تروریسم دو طرف و بویژه جنگ و تجاوز نظامی ارتش اسرائیل و حمایت آمریکا و قدرتهای بزرگ جهانی را محکوم میکند. راه سد کردن فوری گسترش این جنگ و خطر بزرگ علیه مردم خاورمیانه در گرو سد کردن تجاوزگری دولت اسرائیل و جنایت‌های آن و تشکیل دولت فلسطین به نحو برابر در کنار دولت اسرائیل است. تنها در چنین وضعیتی منطقه روی آرامش و امنیت به خود می بیند و بستر تغذیه و رشد اسلام سیاسی و گسترش تروریسم اسلامی امثال حزب الله و حماس میخشد.

حزب کمونیست

کارگری

- حکمتیست

۱۷ ژوئیه ۲۰۰۶

عروج اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی و عامل مستقیم به صحنه آمدن جریانات تروریست و جنایتکاری همچون حماس و حزب الله شده است. موجب بهره برداری و دخالت مستقیم رژیم هار اسلامی در واقعه فلسطین و میداناری آن در منطقه شده است. در اینکه دولت ایران در این مناقشه و در تحریک نیروهای حزب الله و حماس دست داشته است نباید هیچ تردیدی را بخرج داد. با گذشت هر روز و پا به پای عمیقتر شدن بحران، دولت ایران نقش مهمتری را بخود اختصاص میدهد. بهمین سبب، هر تلافی از میان کودکان و زنان و مردان فلسطینی و لبنانی، هر ساختمان و پل و جاده بمباران شده، آوارگی و تهدید و ترور همگی با هم برکت آسمانی است که جریانات تروریست اسلامی از آن سود خواهند جست.

خاورمیانه در آستانه جنگ بزرگی است. قلدری و ماجراجوییهای نظامی اسرائیل

را باید در دیپلماسی متعفن و استانداردهای دو گانه قدرتهای بزرگ حاکم بر سرنوشت جهان جستجو کرد. تمام مراجع بین المللی، تمام دولتها و کارکردهای سیاسی دیپلماسی بین المللی و مهمتر از همه سران ۸ کشور صنعتی دنیا با محکوم کردن یک جانبه تروریسم حزب الله و ربوده شدن ۲ سرباز اسرائیلی جنگ و جنایت و تروریسم دولتی اسرائیل را تحت نام "دفاع از خود" آن کشور مورد حمایت قرار داده و موجب قوت قلب بیشتر ارتش جنایتکار این کشور در ادامه تجاوز و جنگ افروزی در منطقه شده است. با دو استاندارد و دو معیار نمیشود به پدیده های مشابه برخورد کرد. اشغال و جنگ و جنایت و دستگیریهای وسیع و خود سر ارتش سرکوبگر اسرائیل در مناطق اشغالی در بیش از نیم قرن اخیر علیه مردم فلسطین و مردم عرب زبان در خاورمیانه و حمایت مستقیم و سازش قدرتهای بزرگ غربی با دولت جنایتکار اسرائیل خود منبع

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است